

آسیب‌شناسی، چالش‌ها و موانع فرهنگ اسلامی با رویکرد قرآنی*

دکتر سیفعلی زاهدی‌فر**

چکیده

فرهنگ اسلامی در عصر حاضر کاستی‌هایی دارد که باید در رفع آنها بکوشد، تا خود را زایا و بارور نماید. برای رسیدن به فرهنگ اسلامی ایده‌آل راهی بس دشوار و موانعی سخت وجود دارد. از میان موانع ریز و درشت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. عدم فهم صحیح اسلام، عدم توجه به کار و تلاش و جهل و ناآگاهی. همچنین برای اینکه فرهنگ اسلامی به قدرت و قوت مورد نظر خود برسد، با چالش‌های اساسی مواجه است. امت اسلامی بدون ترس و واهمه، باید با این چالش‌ها روبرو شده و بر آنها چیره گردند. چالش‌های اساسی عبارتند از؛ بازاندیشی نسبت اسلام یا مدرنیته، تهاجم فرهنگی، عدم توان پیش‌بینی حوادث، مقابله با هرگونه افراطی‌گری و تاکید بر عنصر گفتگو، اتحاد و افزایش قدرت داخلی؛ حل این مسائل باید سریع صورت گیرد. تا زمانی که امت اسلام تکلیف خود را با این مسائل، روشن ننموده است، رسیدن به نقطه ایده‌آل، محال و ناممکن خواهد بود.

کلید واژه‌ها: فرهنگ اسلامی، اتحاد، آینده پژوهی، تهاجم فرهنگی.

*- تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۹

** استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

مقدمه

بدیهی است که فرهنگ اسلامی در دوران معاصر دچار رکود و خمودگی شده و قدرت حل مشکلات خویش را از دست داده است. لیست بلند بالایی از مشکلات جامعه اسلامی را می‌توان فهرست نمود. جهل و عقب‌ماندگی، اختلافات مذهبی و سیاسی، مشکلات مدیریت‌های دینی کشورهای مختلف، مشکلات ناشی از توطئه‌های حساب شده و پر هزینه کشورهای قدرتمند، مشکلات ناشی از جاه‌طلبی و دنیا دوستی قدرت‌طلبان داخلی هریک از این کشورهای بزرگ و کوچک، اسارت و بی‌خبری مردم گرفتار در دست قدرت‌طلبان داخلی، تندروی‌های جاهلانه و بی‌رحمانه برخی از گروه‌های اسلامی، تسلیم بی‌قید و شرط برخی از سران دولت‌ها در برابر اراده دولت‌های قوی، رشد و رواج ارزش‌های مادی، افول و فراموشی ارزش‌های دینی، برهم خوردن هویت اسلامی مردم در اثر برخورد با تهاجم فرهنگ غرب، گرایش مسلمانان به شعارهای شناخته شده مسیحی غربی، بی‌اعتبار کردن اسلام به وسیله رسانه‌های بین‌المللی و دهها و صدها مشکلات دیگر. با این وضع فعلی جهان اسلام، حل این مشکلات محال و ناممکن به نظر می‌رسد در حالیکه فرهنگ اسلامی دارای ظرفیتی گسترده و بالا برای حل و هضم مشکلات است. چرا که این فرهنگ در قرون اولیه اسلام، در قله علم و معرفت؛ فن و تکنیک قرار داشته است. اما اکنون مسلمانان به دلایلی چند از قافله تمدن عقب مانده و به جای تأثیرگذاری و بازیگری در عرصه فرهنگ، به تماشا نشسته است. و روز به روز قدرت، و تأثیر خود را از دست می‌دهد و ضعیف‌تر و نحیف‌تر می‌گردد. چه عواملی باعث شده‌اند که فرهنگ اصیل اسلامی متولد نگردد. چالش‌های عمیقی بر سر راه فرهنگ اسلامی نشسته است که غلبه بر آنها از ضرورت‌های جهان اسلام است. این

مشکلات بررسی شده‌اند. نوشتار حاضر در پی آن است که این چالش‌ها را معرفی و موانع را شناسایی کند. امید است، در پی دستیابی به پاسخ‌هایی راه‌گشا، کامیاب باشد.

چیستی فرهنگ

تعاریف بسیار زیادی از فرهنگ ارائه شده است. این تعاریف آنقدر زیاد است که کتابی حاوی ۱۶۴ تعریف از این واژه توسط «کروبر» و «کلاکن» دوتن از انسان‌شناسان آمریکا به نگارش در آمده است. (وثوقی، ۱۳۹۱ش: ۸۸). روت بندیکت، از پیشگامان علم مردم‌شناسی، در تعریف فرهنگ می‌نویسد: فرهنگ اصطلاحی است جامعه‌شناسیک برای رفتار آموخته؛ رفتاری که با آدمی، زاده نمی‌شود، و بر خلاف رفتارهای زنبورها و مورچه‌های اجتماعی، از راه یاخته‌های نطفه تعیین نمی‌شود. بلکه هر نسل باید آن را از نو از مردم بزرگ سال بیاموزد. (آشوری، ۱۳۹۳ش: ۶۱) وی از فرهنگ به عنوان الگوی تفکر و انجام دادن فعالیت‌های فردی نام می‌برد که او را از دیگران متمایز می‌سازد. بندیکت فرهنگ را کلیت در هم تافته‌ای از تمامی عادت‌هایی می‌داند که آدمی همچون هموندی از جامعه فرا می‌گیرد. (همان: ۴۸) ادوارد تایلور معتقد است که «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد». (روح‌الامینی، ۱۳۷۲ش: ۱۸) استاد جعفری با تتبع در منابع متعدد جوامع فرهنگی به تعریفی جامع از فرهنگ دست یافته است. به نظر ایشان تعریف فرهنگ عبارت است از «کیفیت یا شیوه‌ی بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به

طرز تعقل سلیم احساسات تصعید شده‌ی آنان در حیات معقول تکاملی باشد». (جعفری، ۱۳۸۶ ش: ۱۰)

اسلام و فرهنگ اسلامی

واژه «اسلام» مصدر باب افعال از «س ل م» به معنای صحت، عافیت و دوری از هر گونه عیب، نقص و فساد است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ماده سلم، مصطفوی، ۱۳۷۴ ش، ماده سلم) و در باب «افعال» به معنای «انقیاد، اطاعت و امتثال امر و نهی بدون هیچ گونه اعتراض» است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق، ماده سلم، طریحی، ۱۳۷۵ ش، ماده سلم) به عبارتی دیگر به معنای «اطاعت کلی و بی‌قید و شرط و تسلیم محض بودن» است. بدیهی است که قرآن هم در این معنای وسیع، اسلام را استعمال کرده و می‌فرماید: «أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَعَوَّنَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ: آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آنکه هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شوید» (آل عمران: ۸۳)

آیه فوق تعبیر «اسلام» را به انقیاد تکوینی و تشریعی تعمیم داده و به هر دو صنف واژه‌ی «اسلام» را اطلاق نموده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ ش، ۲: ۶۴۳) انسان متصف به وصف اسلام، انسانی است که نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تعیین می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضاء و چه تشریعی از اوامر و نواهی و غیر آن مطیع و تسلیم باشد. (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۴۵۴)

در قرآن کریم، مسلمان تنها به پیروان پیامبر اسلام (ص) اطلاق نمی‌شود. بلکه اسلام به معنای دینی است واحد که تمام انبیاء از آدم تا خاتم به آن ایمان آورده و آن را تبلیغ نموده‌اند. و حقیقت آن، تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا و توحید کامل و

خالص از هرگونه شرک و دوگانه‌پرستی بوده است و به همین جهت است که قرآن کریم حضرت ابراهیم (ع) را مسلمان معرفی می‌کند. و می‌فرماید: «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه موحدی خالص و مسلمان بود و هرگز از مشرکان نبود» (آل عمران: ۶۷)

قرآن کریم از خطوط کلی دین که در طول تاریخ بدون تغییر جریان پیدا کرده است، با واژه «اسلام» یاد می‌کند. اما از تغییراتی که در اثر گذشت زمان و تکامل انسان‌ها در ادیان مختلف، در طول تاریخ اتفاق می‌افتد تعبیر به سرعت نموده است. «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا» (مائده: ۴۸). برای هر یک از شما امت‌ها شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم. بنابراین دین و اسلام، غیر قابل تغییر و شریعت، قابل تغییر است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ۷۸). با اینکه به نظر می‌رسد کلمه اسلام و مسلمان مفاهیمی ساده و بدیهی باشند؛ اما پاسخ دادن به این مساله کار دشواری است. بنابراین اسلام را از دو دیدگاه می‌توان بررسی نمود.

۱- اسلام با توجه به منابع

آیا اسلام مساوی و مترادف با قرآن است یا به معارفی اطلاق می‌شود که از مجموع قرآن و سنت فهمیده می‌شود. و یا منابعی بیش از این را در برمی‌گیرد. گروهی از مسلمانان به نام قرآنیون فقط قرآن را قبول داشته و سنت را حجت نمی‌دانند و معتقدند، هیچکدام از احادیث پیامبر «ص» به نحو صحیحی به دست ما نرسیده است (الهی بخش، ۱۴۰۹ ق: ۲۲). سلفیه، اسلام را مجموع قرآن و سنت دانسته و عقل را در این زمینه کار ساز نمی‌دانند (البانی، ۱۴۰۲ ق: ۳۲). تقریباً اخباریون شیعی نیز این

اعتقاد را دارند (استرآبادی، ۱۴۱۵ق: ۲۵۰). اصولیون شیعه منابع کشف احکام اسلامی را کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌دانند (مظفر، ۱۴۲۱ق: ۱۶۵). چون فرقه‌های گوناگون اسلامی به منابع متعدد از فهم اسلام قائل هستند، اسلامی که هریک از آنها به تصویر می‌کشند، با همدیگر متفاوت خواهد بود.

۲- اسلام از منظر تاریخی و پدیدار شناختی

می‌توان اسلام را به عنوان پدیده‌ای از پدیده‌های جهان، از نظر تاریخی و پدیدار شناختی بررسی نمود. اینگونه از بررسی‌ها در قرون اخیر افزایش پیدا کرده و به نحو چشم‌گیری در بین محققان دینی شیوع و مقبولیت یافته است. اسلام در جزیره العرب به وجود آمد و مراحل اولیه رشد خود را آنجا طی کرد؛ ولی بعداً با تمدن‌های گوناگون برخورد نمود و در اثر این برخورد تعاملی سازنده بین مظاهر فرهنگی هریک از این تمدن‌ها و اصول اسلام برقرار گردید. مسلمانان هر منطقه، این آئین را با فرهنگ ملی خویش آمیختند و فرهنگ اسلامی تازه‌ای را به وجود آوردند. بدین سبب می‌توان از اسلام ملیت‌های گوناگون سخن گفت؛ همچون اسلامی که در ایران تبلور پیدا کرده، یا در هند رشد نموده، و یا در میان کشورهای آسیای جنوب شرقی بالیده است. هرچند اصولی همچون توحید، نبوت، معاد، قرآن، قبله و مسائلی از این قبیل، اینها را به همدیگر گره زده و به عنوان امت بزرگ اسلامی نامبردار ساخته است. اما درون هریک از این ملل، تفاوت‌های فراوانی از نظر مظاهر و مناسک اسلامی به چشم می‌خورد (شرفی، ۱۳۸۳ش: ۲۵).

آنچه در این مقاله آسیب‌شناسی می‌شود فرهنگ اسلامی به معنای فوق است. بدین معنا که هر ملتی با قبول اسلام و قرآن به طور کامل آن را در بین خود عمل ننموده و به مرحله اجراء نگذاشته است. و گاهی به فرهنگ اصیل اسلامی مظاهری از عقبه

فرهنگ خویش را داخل نموده و با آن مخلوط کرده و فرهنگ اصیل اسلامی را از خلوص و تحرک اولیه باز داشته است و گر نه اگر فرهنگ اسلامی به معنای اجرای کامل کتاب و سنت باشد، نیازی به آسیب‌شناسی ندارد.

آسیب‌شناسی فرهنگی

آسیب‌شناسی (پاتولوژی) واژه‌ای است که از زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده است. آسیب‌شناسی به معنی شناسایی ناهنجاری‌ها در یک سیستم سالم برای رفع ناهنجاری بوجود آمده و تضمین سلامت سیستم می‌باشد. با آسیب‌شناسی فرهنگی، در صدد هستیم ناهنجاری‌هایی که در نظام سالم فرهنگی بوجود می‌آید را شناسایی و قبل از اینکه کل نظام را مورد تهدید قرار دهد، نسبت به آسیب‌زدایی اقدام کنیم (رهنمائی، ۱۳۸۹ش: ۲۷).

موانع تحقق فرهنگ اسلامی

در این بخش از مقاله به برخی از موانع مهم، تحقق فرهنگ ایده‌آل اسلامی اشاره می‌شود.

۱. عدم فهم صحیح اسلام

یکی از چالش‌های بزرگ فرهنگ اسلامی معاصر فهم صحیح، کارآمد و روزآمد از اسلام است. اسلام در کشورهای گوناگون با مبانی و سلائق گوناگونی تفسیر می‌شود که لاجرم همه آنها صحیح نمی‌باشد. اسلامی که در عربستان سعودی توسط وهابیت، فهم و تبلیغ می‌شود، با اسلام شیعی که جمهوری اسلامی ایران مبلغ و مدافع آن است فرسنگ‌ها فاصله دارد. و ما بین این دو نگرش نیز دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد. هرچند توافق نظری در همه زمینه‌ها در بین امت اسلام محال می‌نماید، اما یک نکته

محوری وجود دارد که می‌تواند به نز دیکتر شدن دیدگاه‌ها و تصحیح آنها کمک فراوانی بکند. و آن مسأله مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) است. مرجعیت قرآن بی‌شک مورد توجه همه امت اسلام است. اما با اینکه همه فرق اسلامی، حدیث متواتر نقلین را روایت نموده و آن را صحیح می‌دانند، (ترمذی، ۱۴۱۸ق، ۵، ۶۶۲، حاکم نیشابوری، ۱۳۹۸ق، ۳، ۱۰۹، ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ۲، ۴۳۲) عملاً به آن پایبند نبوده‌اند.

حدیث ثقلین بیان می‌کند که در اختلافات علمی، دینی و اعتقادی باید حرف قرآن و عترت، فصل الخطاب باشد. اکنون نیز اگر جامعه اسلامی در اختلافات فقهی و دینی حرف اهل بیت (ع) را بر دیگر نظریات صحابه و تابعین رجحان دهد؛ بسیاری از اختلافات برچیده خواهد شد. و امت اسلامی به اسلام با تفسیر صحیح آن دست خواهد یافت. علاوه بر مطلب فوق که باید مورد عنایت جدی واقع شود، موانع متعددی برای دستیابی به فهم صحیحی از اسلام وجود دارد که به دو نمونه از آن اشاره می‌شود.

الف) نفوذ تفکر یونانی در نگرش اندیشمندان اسلامی

مدت‌های مدیدی است که غلبه اندیشه یونانی در تفکر محققین مسلمان فهم صحیح قرآن و اسلام را در برخی موارد از آنان ستانده است. تفاسیر «المیزان» و «تسنیم» که هر دو از مفاخر تفسیری تشیع به شمار می‌روند، در موارد متعددی با پیش فرض قرار دادن مطالب فلسفی که عموماً مأخوذ از تفکر یونانی است، به تفسیر قرآن پرداخته‌اند. بیشترین تحقیق در این زمینه توسط دکتر سید یحیی یربلی در آثار و نوشته‌های خود، خصوصاً نوشته تفسیری خویش، تفسیر روز، بیان شده است. یربلی معتقد است مسائل فکری، اعتقادی و فلسفی همچون هدف آفرینش، بحث معاد و

اثبات آن، بحث فطرت، علم خداوند، مفهوم آفرینش و چگونگی آن و بحث آزادی انسان و ارتباط آن با علم ازلی خداوند تحت تأثیر این تفکر بوده است. و ما نمی‌توانیم به فهمی خالص و مناسب از اسلام دست یابیم، مگر اینکه از قید و بند این مکتب خاص فلسفی رها شویم و خود به طور مستقل، به تفکر بپردازیم (یشری، ۱۳۸۷ش، ۲: ۱۲۳).

ب) نقد تراث دینی

هرآنچه از مکاتب مختلف فقهی، تفسیری، کلامی و فلسفی در طول تاریخ تمدن اسلامی برای ما باقی مانده است. بسیار با ارزش و جزء تراث اسلامی شمرده می‌شود. اما آنچه مهم است و توجه به آن لازم، این است که این تراث باقی‌مانده از پیشینیان هر چند با ارزش است اما همگی صحیح نمی‌باشد. افراد مختلف با جهت‌گیری‌های گوناگون و با مبانی و پیش فرض‌های مختلف برای پاسخ دادن به پرسش‌های زمانه خویش، این مطالب را نگاشته‌اند. جوابی که آنان به آن دست یافته‌اند لزوماً با زمانه ما سازگار نمی‌باشد. محقق و مجتهد کنونی برای یافتن پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در زمان حاضر دوباره باید تلاش کند و در منابع و ادله باز اندیشی نماید و در صورت لزوم حرف پیشینیان را نقد نماید. تلاش‌های مختلفی از سوی اندیشمندان اسلامی در این زمینه انجام گرفته است. به عنوان مثال؛ نقد و بررسی احادیث به جا مانده از پیامبر (ص) توسط برخی از محققین انجام گرفته است. می‌توان از دو اثر شاخص در این زمینه یاد کرد. کتاب «الحديث النبوی بین الروایة و الدرایة» نوشته آیت الله سبحانی از جهان تشیع؛ و کتاب «السنة النبویة بین اهل الفقه و اهل الحديث» نوشته محمد غزالی دانشمند مصری. از تلاش‌های سلفیه

نیز در این زمینه باید یاد نمود. مانند؛ ناصرالدین البانی با دو اثر سترگ «سلسلة الأحادیث الصحيحة» و «سلسلة الأحادیث الضعيفة».

۲. جهل و ناآگاهی

از بزرگ‌ترین موانع تحقق فرهنگ اصیل اسلامی، جهل به معنای وسیع آن است که شامل بی‌خردی، بی‌سوادی، اعتقادات خرافی، پرسش‌های غیرعقلانی و امثال آن می‌باشد. بی‌تردید خرد یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند متعال است. اما امت اسلامی از این نعمت بزرگ الهی بسیار اندک بهره برده است. روزگاری که امت اسلام با عقلانیت و علم و تدبیر به حل مشکلات خود اهتمام می‌ورزید، درخشان‌ترین ایام تمدن اسلامی به شمار می‌رود (متز، ۱۳۶۹ش: ۱۵۱). اما اکنون آن علم و عقلانیت تبدیل به جهل و خرافه گشته و جامعه اسلامی به آخرین درجه از نزول خود رسیده است. برای خیزش دوباره فرهنگ اسلامی، رجوع به عقل و عقلانیت و گسستن از جهل و جهالت از واجبات اساسی امت اسلام است.

در هر صورت جهل و نادانی که می‌شود آن را فقر فرهنگی نام نهاد، بزرگ‌ترین عامل انحطاط امت اسلامی است. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «ای علی، هیچ فقری مانند نادانی نیست». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۵)؛ و همچنین حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بزرگ‌ترین فقر، بی‌خردی است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۸).

یکی از عواملی که از بین برنده جهل و نادانی است، مطالعه کتاب‌هایی مفید می‌باشد. سرانه مطالعه در کشورهای اسلامی و همچنین ایران، بسیار پایین می‌باشد. به عنوان نمونه؛ یک ناشر و محقق برجسته یکی از استان‌ها چنین گفته است: «برخلاف ادعای مسئولان، میانگین زمان مطالعه در استان حتی کمتر از دو دقیقه

است. در حالی که عده‌ای به آمار و ارقام نجومی مطالعه درسی دلخوش کرده‌اند.»
(خبرگزاری فارس: ۹۱/۶/۱۱ ش).

۳. اهمیت ندادن به کار و تلاش

کار و تلاش در متون دینی ارزش فراوانی دارد. اسلام از تنبلی و بیکاری نهی کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹). انسان نتیجه کار و تلاش خود را در دنیا و آخرت خواهد دید. و در آیه دیگر می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» و هرکس مرهون اعمال خود خواهد بود» (مدثر: ۳۸). در قرآن همواره ایمان همراه عمل با قید صالح تکرار شده است. عمل و کار، نشانگر ایمان است. متأسفانه مسلمین در اثر وانهادن دستورات دینی، تنبلی و سستی را پیش گرفته و بجای آنکه به کار و تلاش خود امید داشته باشند، به تقدیر گرایی رو آوردند. هر چند از نظر فلسفی، خداوند متعال، عالم به تمام مقدرات هستی است، اما آنچه به آن تقدیر گرایی می‌گوییم، این است که بجای دل بستن به کوشش و نتایج آن، مسائلی چون قسمت، شانس و تقدیر در نظر گرفته شود. احادیثی نیز در این زمینه جعل شد و کار مسلمانان را سخت‌تر نمود. (سبحانی، ۱۴۲۱ق: ۱۵۶)، قدرت خلاقیت و ابتکار رخت بربست و به جای آن، تقلید که یکی از علل و عوامل انحطاط فرهنگی است، به جای تدبیر نشست (ممتحن: ۱۵۵). در جائیکه اقتصاد جامعه، دانش و تکنولوژی، مدیریت و فرهنگ جامعه نیاز به کار جدی و همیشگی دارد، باید از لحظه لحظه فرصت‌ها و ذره‌ذره امکانات بهترین بهره‌برداری را بکنیم. اما با هر بهانه‌ای کل جامعه را بیکار می‌کنیم! گویی که بیکاری و تعطیلی ذاتاً پسندیده و خوب است! غافل از اینکه برای جبران عقب ماندگی‌ها حتی در ظهر عاشوراء نیز نباید فرصت را از دست

داد. چنانکه به اقرار دشمنان نماز برای مسلمانان از پدر و مادر و نور چشمشان عزیزتر بود. اما باید آمادگی جنگی خود را اصل بگیرند و نماز را براساس این آمادگی سامان بخشند. ما نیز اگر چه امام حسین (ع) و امامان دیگر (ع) و حضرت مهدی (عج) را از چشمان خود بیشتر دوست می‌داریم، اما نباید به بهانه ابراز محبت نسبت به آنان از کارهای جدی جامعه مخصوصاً از مسائل مربوط به سیاست و اقتصاد غفلت کنیم (یثربی، ۱۳۷۸ ش، ۲: ۷۱۳). مراجع معظم تقلید نیز از اشاعه تعطیلی‌های بی‌دلیل اظهار نگرانی کرده‌اند. به عنوان نمونه: آیت‌الله جوادی آملی از تعطیلی ۲۰ روزه حوزه‌های علمیه انتقاد نموده‌اند (سایت اسراء، ۱۵ فروردین ۱۳۹۴ ش).

۴. فقر

منظور از فقر؛ فقرمالی، اقتصادی و معیشتی می‌باشد. فقر اقتصادی عبارت است از نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد. تعبیرهای حدیثی درباره فقر هم اغلب چنین مطلبی را گوشزد می‌نمایند» (حکیمی، ۱۳۶۸ ش، ۴: ۴۰۰). فقر از دیدگاه قرآن کریم قطعاً ضد ارزش بوده و جزء کاستی‌ها و نقائص اجتماع محسوب می‌شود. به گونه‌ای که خداوند آن را وسیله عذاب برخی از امت‌ها قرار داده است. خداوند عذاب اهل کتاب را که علاوه بر ایمان نیاوردن، پیامبران الهی را می‌کشند و عصیان می‌کنند و مورد غضب او واقع می‌شوند، تنگ دستی و بینوایی قرار داده است «وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» و به خشمی از خدا گرفتار آمدند، و (مُهر) بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود

که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. (نیز) این (عقوبت) به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه در می‌گذرانیدند» (آل عمران: ۱۱۲). بدین سبب قرآن کریم راهکارهای متنوعی را برای از بین بردن مظاهر فقر از اجتماع، مطرح نموده است. خداوند متعال علاوه بر تشریع واجبات عبادی صرف، مانند نماز (بقره: ۴۵، ۲۳۸) و روزه (بقره: ۱۸۳) به تشریع واجبات مالی نیز اقدام نموده است. خمس (أنفال: ۴۱) و زکاة (توبه: ۵، ۱۱، ۶۰)، (بقره: ۴۳) دو نمونه از این واجبات مالی می‌باشند. اگر فقر اقتصادی در جامعه جزء منکرات قطعی نبود، خمس و زکات نیز عنوان وجوب پیدا نمی‌کرد و به حال استحباب و یا اباحه باقی می‌ماند. حتی اگر فردی واجبات مالی خود را ادا نمود، طبق برخی از آیات قرآن کریم، موظف است که به چاره‌جویی از فقرای جامعه و کمک به آنها اقدام کند و پرداخت واجبات مالی او را از این عمل معاف نمی‌کند. به عنوان نمونه آیه شریفه «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات: ۱۹) و در اموالشان برای سائل و محروم حقی (معین) بود. و آیه «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج: ۲۴-۲۵) که می‌فرماید همانان که در اموالشان حقی معلوم است، برای سائل و محروم، چنین حکمی را برای متمکنین جامعه، نسبت به فقرا اثبات می‌کند (خوئی، ۱۳۸۲، ش: ۲۲۵). قرآن کریم در آیات متعددی، رسیدگی به محرومان را تاکید می‌کند. آیه ذیل اهمیت این موضوع را به روشنی اثبات می‌کند. ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ نَظْمُ الْمِسْكِينَ﴾ (مدثر: ۴۴). این آیه از سوره مدثر در ذیل آیاتی عنوان شده است که بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند: «چه چیزی باعث جهنمی شدن شما گردید؟» دوزخیان جواب می‌دهند که ما از نمازگزاران نبودیم و بینوا را اطعام نمی‌کردیم. اطعام مسکین گرچه به معنی غذا دادن به بینوایان است، ولی ظاهراً منظور از آن، هر گونه کمک به نیازمندی‌های ضروری نیازمندان می‌باشد،

اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و غیر اینها (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ش، ۲۷: ۱۴۳) و می‌توان از این آیه استفاده نمود که تارک زکات، مسلمان نامیده نمی‌شود و حکم بر کفر وی شود هرچند که از نظر عقیده، مسلمان باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۳۴ق، ۲۹: ۲۶۲). دسته دیگر از آیات بر واژه «حُضَّ» تاکید کرده است. این آیات عبارتند از: «وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (فجر: ۱۸) و بر إطعام بینوا ترغیب نمی‌کنید. و آیه شریفه: «وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (حاقه: ۳۴)، (ماعون: ۳) و به إطعام مسکین و بینوا ترغیب نمی‌کرد. «يَحُضُّ» از ماده «حُضَّ» به معنی «تحریض و ترغیب دیگران بر چیزی» است، (الزبیدی، ۱۳۰۶، ۱: ۴۶۰، ابن درید، ۱۹۸۷م، ۲۶). راغب در مفردات می‌نویسد: «حُضَّ» تشویق در حرکت و سیر است؛ ولی «حُضَّ» چنین نیست (راغب، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۴۲). در قرآن کریم ما قبل آیات فوق، مسأله یتیمان و رسیدگی به آنها مطرح شده است. تفسیر نمونه، در شرح آیه سوره ماعون چنین می‌نویسد: «در مورد یتیمان مسأله عواطف انسانی بیشتر مطرح است تا اطعام و سیر کردن. چرا که بیشترین رنج یتیم از دست دادن کانون عاطفه و غذای روح است، و تغذیه جسمی در مرحله بعد قرار دارد. و باز در این آیات به مسأله إطعام (مستمندان) که از مهمترین کارهای خیر است برخورد می‌کنیم، تا آنجا که می‌فرماید: اگر خود قادر به اطعام مستمندی نیست دیگران را به آن تشویق کند. تعبیر به «فذلک» با توجه به اینکه «فاء» در اینجا معنی سببیت را می‌بخشد اشاره به این نکته است که فقدان ایمان به معاد سبب این خلافتکاری‌ها می‌شود، و به راستی چنین است، آن کس که آن روز بزرگ و آن دادگاه عدل، و آن حساب و کتاب و پاداش و کیفر را در اعماق جان باور کرده باشد، آثار مثبتش در تمام اعمال او ظاهر می‌شود، ولی آنها که

ایمان ندارند، اثر آن در جرأت‌شان بر گناه و انواع جرائم کاملاً محسوس است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ش، ۲۷: ۳۵۴).

از آیات فوق می‌توان استنتاج کرد که هر کس به امور فقرا و یتیمان بی‌اعتناء باشد و در قبال آنان احساس مسئولیت نکند، دارای ایمان واقعی به معاد نبوده؛ بنابراین مسلمان واقعی نیز نمی‌باشد. هر چند ظاهراً او را مسلمان بدانند و احکام ظاهری اسلام را بر او بار کنند. و در قبال این تبه‌کاران به گروه ویژه‌ای از مسلمانان اشاره می‌کند که در اثر ایمان به خداوند به درجه‌ی ابرار واصل شده‌اند. یکی از ویژگی‌های این گروه توجه همیشگی آنها به حال محرومان جامعه است. «و یطعمون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً». و خوراک را با وجود دوست داشتن، به بینوا، یتیم و اسیر اطعام می‌کنند (انسان: ۸). از اینکه فعل «یطعمون» با صیغه مضارع اداء شده، بیانگر اهتمام دائمی و مستمر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۲۳: ۲۷۰). بنابراین قرآن در مسأله فقر، اکتفاء کردن به واجبات مالی را کافی نمی‌داند و معتقد است که ثروتمندان در حد وسع و توان خود باید پیگیر این مسأله مهم باشند. و حتی به خود پیامبر(ص) می‌فرماید: «در صورت ابراز نیاز توسط نیازمند، او را از خود نرانده و حاجت وی را برآورده سازد». «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» و گدا را مران. و در صورت عدم تمکن مالی با خوشرویی با وی برخورد کند (ضحی: ۱۰). آیه شریفه «وَأَمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا: یعنی اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی» (اسراء: ۲۸). بیانگر آن است.

روایات اسلامی نیز روشنگری‌های فراوانی در این زمینه دارند. پیامبر (ص) می‌فرماید: «بیم آن است که فقر به کفر انجامد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۰۷، صدوق،

۱۴۰۳ق، ۱: ۱۲، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۰: ۲۴۶). رابطه علی بین فقر و فساد در تحقیقات علمی به اثبات رسیده است. (مهرگان، ۱۳۹۱ش: ۲۹). امام علی (ع) می‌فرماید: «فقر، مرگ بزرگ است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۳). این تعبیر حضرت علی (ع) می‌تواند هم شامل اشخاص و هم جوامع انسانی شود. شخصی که گرفتار فقر است، محسوب می‌شوند و در محاسبات جهانی تأثیر گذار نمی‌باشند.

از بیانات فوق مشخص گردید که فقر از پدیده‌هایی است که شارع مقدس، سعی در از بین بردن آن داشته است. مضرات فقر، از نظر روانی، اجتماعی و سیاسی خصوصاً در دوران کنونی غیرقابل انکار می‌باشد. متأسفانه برخی از کشورهای اسلامی در فقر کامل به سر می‌برند. و برخی دیگر نیز گرچه در فقر به سر نمی‌برند، اما جزء کشورهای ثروتمند و پیشرفته محسوب نمی‌گردند. این امر باعث شده قدرت و نفوذ بین‌المللی آنها کاهش پیدا کرده و تأثیرگذاری آنها در امور جهانی بسیار اندک باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود، بین دستورات قرآن و آنچه در کشورهای مسلمان می‌گذرد، فاصله‌ای عمیق وجود دارد.

چالش‌های فرهنگ اسلامی

در این قسمت به مهمترین چالش‌هایی که فرهنگ اسلامی با آن رو به رو است اشاره می‌شود.

۱. باز اندیشی نسبت اسلام و مدرنیته:

فرهنگ اسلامی با فرهنگ جدید غرب که اصطلاحاً فرهنگ مدرن نامیده می‌شود، در دویست سال اخیر برخورد و اصطکاک فراوانی داشته است. از زمان ورود مدرنیته به کشورهای اسلامی جوامع اسلامی برای رویایی با آن، با سه رویکرد به مسأله توجه کردند.

رویکرد اول؛ نفی کامل غرب و فرهنگ غربی و احساس تضاد مطلق بین اسلام و مدرنیته و حکم به اینکه این دو را باهم هیچ نسبتی نیست. مهدی نصیری را می‌توان از مبلغان این تفکر به شمار آورد (نصیری، ۱۳۸۷ش: ۱۶).

رویکرد دوم؛ قبول مطلق و دربست فرهنگ غربی و دست کشیدن کامل از سنت‌های اسلامی است. این عده از افراد، اسلام و فرهنگ اسلامی را باعث عقب ماندگی مسلمین می‌دانند و معتقدند اگر سر تا پا ظاهراً و باطناً غربی شویم دروازه‌های تمدن به روی ما گشوده خواهد شد. همچون تقی زاده که گویا در ایام جوانیش این اعتقاد را داشته است (میرسپاسی، ۱۳۸۴ش: ۱۰۹).

رویکرد سوم؛ نظر بینابینی وجود دارد که نظریات فوق را افراط و تفریط دانسته و به تعامل منطقی با غرب گرایش دارد و معتقد است فرهنگ اسلامی می‌تواند با جذب برخی از عناصر مفید و سازنده غرب بر غنا و توانگری خود افزوده و موجبات پیشرفت خود را فراهم سازند. فرهنگ اسلامی قابلیت و استعداد توسعه و پیشرفت را در درون خود دارد به شرط آنکه به اصلاح و بازبینی خود پرداخته و عناصر دست و پا گیر و پوسیده را از خود کنده و با برخی از عناصر مثبت و تحرک آفرین جابجا نماید. در این میان، شناخت عمیق فرهنگ غرب و دانستن علل پیشرفت آنان و تجزیه و تحلیل منطقی این مسائل، به آن صورت که حسن حنفی^۱ به آن «علم الاستغراب» گفته است، سازنده به نظر می‌رسد (حنفی، ۱۴۰۹ق: ۳۲، نصر، ۱۳۸۵ش: ۱۵۴). ما چه بخواهیم و چه نخواهیم تأثیرات مدرنیته بر روی فرهنگ اسلامی فراوان و چشمگیر بوده است. تأثیر این فرهنگ بر خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات، معماری و در یک کلام سبک زندگی مسلمین انکارناپذیر است. فرهنگ مدرن پایه‌های فرهنگ سنتی اسلامی را سست نموده و

تغییراتی اساسی در کیفیت زندگی پدید آورده است. اما چون جامعه‌های اسلامی بطور کامل از سنت نبریده‌اند و به فرهنگ مدرن نیز دست پیدا نکرده‌اند؛ به اصطلاح در دوره‌گذار قرار دارند، موقعیتی حسّاس و در موارد فراوانی خطر آفرین اضطراب‌زا و تشویش‌انگیز است. علاوه بر مظاهر زندگی، اعتقادات نیز از تغییر در امان نمانده و مسائل اسلامی فراوانی به چالش کشیده شده است. نمونه واضح آن مسأله وحی و ارتباط انسان با خدا به عنوان پیامبر و نزول قرآن که در دهه‌های اخیر توجه متفکران اسلامی را به خود جلب نموده و آنان را در این مورد وادار به بازاندیشی کرده‌اند. نصر حامد ابوزید و محمد آرگون از جهان عرب، و سروش و مجتهد شبستری از ایران نمونه‌ای از این مدّعا به شمار می‌آیند. با ورود مسائل هرمنوتیک به ایران، مبانی سنتی تفسیر عمیقاً به چالش کشیده شده است. مسلمانان را چاره‌ای نیست جز اینکه با ورود عمیق به این مباحث به مسائل مطرح شده در این زمینه، پاسخ‌های روز آمد و کارآمد بدهند و این، مستلزم تجدید نظر در مبانی علوم اسلامی همچون کلام، تفسیر، فقه و اصول می‌باشد (شرفی، ۱۳۸۳: ۴۲).

۲. تهاجم فرهنگی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فرهنگ اسلامی تهدید این فرهنگ به واسطه فرهنگ‌های دیگر است. فرهنگ اسلامی باید از درون خود را تقویت نماید، تا بتواند در مصاف با سایر فرهنگ‌ها از هویت خویش دفاع نماید. قرآن کریم در موارد متعددی در این زمینه به مسلمانان هشدار داده است. «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُم مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ». (بقره: ۱۰۹) دشمنی که در دل آرزوی کفر شما را دارد، در عمل از هیچ توطئه و نقشه‌ای خودداری نخواهد کرد. روشهای اقدام آنها همان طرح سؤالات بی‌جا، وسوسه‌ها،

القای شبهات و می‌باشد که باید نسبت بدانها هشیار بود. باید نسبت به روحیات و برنامه‌های دشمنان خود، مواظب بود (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ۱: ۱۸۱). هر چند طبق گفته قرآن کریم بسیاری از اهل کتاب چنین هستند نه همه‌ی آنان. و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۲۰) «اصرار بر جلب رضایت یهود و نصاری نداشته باش، چه اینکه آنها هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه به طور کامل تسلیم خواسته‌های آنها و پیرو آئینشان شوی». «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» «اگر تسلیم تعصبا و هوس‌ها و افکار کوتاه آنها شوی بعد از آنکه در پرتو وحی الهی حقایق برای تو روشن شده، هیچ سرپرست و یآوری از ناحیه خدا برای تو نخواهد بود». «وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». این آیه در عین اینکه خطاب به پیامبر اسلام (ص) است، خطاب به همه مسلمانان در طول تاریخ نیز هست که هرگز یهود و نصاری از شما راضی نخواهند شد، مگر آنکه تسلیم بی‌چون و چرای آنان شوید و از اصول و ارزش‌های الهی کناره بگیرید. ولی شما مسلمان‌ها باید با قاطعیت دست رد به سینه نامحرم بزنید و بدانید تنها راه سعادت، راه وحی است؛ نه پیروی از تمایلات این و آن (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ش، ۱: ۴۲۹). دشمن فقط با سقوط کامل و محو مکتب و متلاشی شدن اهداف مسلمانان راضی می‌شود. رابطه با اهل کتاب نباید به قیمت صرف نظر کردن از اصول تمام شود. جذب دیگران آری؛ ولی عقب نشینی از اصول هرگز (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ۱: ۱۹۳).

آیات فوق چالش دائمی بین مسلمانان و دشمنان مکتبی آنان خصوصاً اهل کتاب را یادآوری کرده و هشدار داده است. گاه و بیگاه خبرهای ناگواری در زمینه گرایش جوانان به مسیحیت و یا سایر ادیان و مذاهب به گوش می‌رسد. در سالیان اخیر

تأسیس کلیسای خانگی گسترش پیدا کرده و اخبار رسیده حاکی از کشف ۲۰۰ کلیسای خانگی در شهر مقدس مشهد حکایت دارد. و همچنین بهائیت در استان‌های شرق کشور، به سرعت در حال گسترش بین مردم به خصوص روستائیان است. یکی از موسسات پژوهشی در این زمینه تحقیقی انجام داده است که بر اساس آن تبلیغات تلویزیونی، تبلیغات شهری، تبلیغات در اقصاء، تبلیغات در کلیساهای خانگی، اینترنت و اغواگران، شش راه تبلیغ مسیحیت در ایران است. مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم در سال ۱۳۸۹ در این زمینه چنین فرمودند: «این مسئله از ماجرای سلمان رشدی آغاز شد تا فیلم‌های ضد اسلام هالیوودی، تا کاریکاتورها، تا قرآن‌سوزی، تا حوادث گوناگونی که علیه اسلام در این گوشه و آن گوشه اتفاق افتاد، برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۷/۲۷ ش). هشدار معظم له در این موارد نشان می‌دهد که فرهنگ‌های مغایر با اسلام شب و روز در حال فعالیت و تبلیغات به نفع فرهنگ خویش و جذب نیروهای مسلمان خصوصاً قشر جوان و سوق دادن آنان به مکاتب غیر اسلامی است. با وجود این، تا این حال فرهنگ اسلامی برخورد سازنده و فعال با این مسأله نداشته است.

یکی از مفسران در ذیل آیه ۱۰۲ سوره نساء در مورد هشدار به مسلمانان و عدم غفلت آنها از کفار حتی در حال اقامه نماز چنین می‌نویسد: «نباید اشتغال مسلمانان به برخی کارهای دینی و مذهبی، آنها را از توجه به دشمنان جامعه و نظام اسلامی غافل کند؛ خواه این دشمنان، بیرونی باشند یا دشمنان درونی. دشمنان اسلام می‌گفتند که مسلمانان چنان شیفته نمازاند که اگر به نماز ایستند، همه چیز را از یاد می‌برند! می‌گفتند آنان نماز را از پدران خودشان بیشتر دوست می‌دارند و گاه می‌گفتند نماز برای آنان از نور چشمشان گرانقدرتر است. بنابراین شما صبر کنید وقتی آنان به نماز مشغولند، به آنان حمله کنید و دارائی و سلاح آنان را غارت کنید. اینکه مسلمانان به نماز و دیگر کارهای مذهبی علاقمند هستند، جای تردید نیست. اما می‌بینیم که قرآن کریم در برابر خطر دشمن به مسلمانان دستور می‌دهد که نماز را کوتاه کنند و ضمن ادای نماز با تمام حواس خود، متوجه دشمن باشند و حالت آمادگی خود را در برابر فرصت طلبی‌های دشمن حفظ کنند. یعنی وقتی که سربازان ما در مرزها با دشمن خارجی درگیر باشند به سادگی متوجه می‌شوند که نباید به خاطر نماز یا اعمال دیگر، از نیرنگ دشمن و احتمال حمله و هجوم آنان غفلت کنند (یثربی، ۱۳۷۸ش، ۲: ۷۱۱). در حال نماز که بنده باید از همه چیز ببرد و غرق در عظمت الهی شود، طبق توصیه قرآن توجه به دسیسه‌های دشمن ضروری است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

۳. عدم توان پیش‌بینی حوادث

جامعه اسلامی قدرت پیش‌بینی حوادث و رویدادها را از دست داده و در این زمینه به جای برخورد فعال با مسائل، حالت انفعالی پیدا کرده است. این یکی از

بزرگ‌ترین چالش‌های فرهنگ اسلامی معاصر است. قرآن کریم در دوازده مورد از آیات، حالت روانی افراد، پاسخ‌های آنان به سوالات و برخی از حوادث را پیش‌بینی نموده است. (بقره: ۱۴۲، أنعام: ۱۴۸، یونس: ۳۱، إسرائ: ۵۱، کهف: ۲۲، مومنون: ۸۵، ۸۷، ۸۹، أحقاف: ۱۱، فتح: ۱۱، ۱۵). به عنوان نمونه در آیه شریفه می‌فرماید: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». به زودی سبک مغزان از مردم می‌گویند: چه چیز آنها را (مسلمانان را) از قبله‌ایی که بر آن بودند باز گردانید؟ بگو مشرق و مغرب از آن خدا است هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند (بقره: ۱۴۲). این آیه و چند آیه بعد به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام که موجی عظیم در میان مردم به وجود آورد، اشاره می‌کند. پیامبر اسلام (ص) مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه، و چند ماه بعد از هجرت در مدینه به امر خدا به سوی بیت المقدس نماز می‌خواند، ولی بعد از آن، قبله تغییر یافت و مسلمانان مامور شدند به سوی کعبه نماز بگذارند. مسلمانان در این مدت مورد سرزنش یهود قرار داشتند؛ چرا که بیت المقدس در اصل قبله یهود بود. آنها به مسلمانان می‌گفتند: اینان از خود استقلال ندارند و به سوی قبله ما نماز می‌خوانند، و این دلیل آن است که ما بر حقیق. این گفتگوها برای پیامبر اسلام (ص) و مسلمانان ناگوار بود، آنها از یکسو مطیع فرمان خدا بودند، و از سوی دیگر طعنه‌های یهود از آنها قطع نمی‌شد، برای همین پیامبر (ص) شب‌ها به اطراف آسمان می‌نگریست، گویا در انتظار وحی الهی بود. مدتی از این انتظار گذشت تا اینکه فرمان تغییر قبله صادر شد. یهود از این ماجرا سخت ناراحت شدند و طبق شیوه دیرینه خود به بهانه‌جویی و ایرادگیری پرداختند. آنها قبلا می‌گفتند: ما بهتر از مسلمانان هستیم. چرا که آنها از نظر قبله استقلال ندارند و پیرو ما هستند، اما همین که دستور تغییر قبله از ناحیه خدا صادر شد، زبان به اعتراض گشودند. چنانکه قرآن

در آیه مورد بحث می‌گوید: به زودی بعضی از سبک مغزان می‌گویند چه چیز آنها را از قبله‌ایی که بر آن بودند، بر گردانید؟ چرا اینها از قبله پیامبران پیشین امروز اعراض نمودند؟ اگر قبله اول صحیح بود. این تغییر چه معنی دارد؟ و اگر دومی صحیح است. چرا سیزده سال و چند ماه به سوی بیت‌المقدس نماز خواندید؟! خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد به آنها بگو شرق و غرب عالم از آن خداست، هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند). این یک دلیل قاطع و روشن در برابر بهانه‌جویان بود که بیت‌المقدس و کعبه و همه جا ملک خدا است، اصلاً خدا خانه و مکانی ندارد، مهم آن است که تسلیم فرمان او باشید هر جا خدا دستور دهد به آن سو نماز بخوانید، مقدّس و محترم است، و هیچ مکانی بدون عنایت او دارای شرافت ذاتی نمی‌باشد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۴۲، طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۳۲).

آیه شریفه نشان می‌دهد که خداوند قبل از اشکال گرفتن مشرکان بر تغییر قبله اعتراضات آنان را پیش‌بینی کرده و پاسخ آن اعتراضات را به پیامبر(ص) ابراز می‌کند. پیام امروزین آیه این است که مسلمانان باید قدرت پیش‌بینی حوادث و بحران‌ها را داشته باشند، تا در وقت مقتضی با راهکارهای مناسب بر آن غلبه کنند. مسلمانان باید توطئه‌ها و شایعات و سؤالات بهانه‌جویانه‌ی دشمن را پیش‌بینی کرده و با پاسخ به آنها، از نفوذ و گسترش آن پیشگیری نمایند (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ۱: ۲۱۹). پیامبر (ص) از طریق وحی به برخی از این مسائل آگاهی می‌یافتند. اما ما که به وحی دسترسی نداریم باید با توجه به علوم بشری موجود حتی‌الامکان قدرت پیش‌بینی حوادث را به دست آوریم. در این زمینه علم آینده پژوهی به ما یاری خواهد رساند. آینده پژوهی به معنای نگاه به جلو، مهارتی قابل یادگیری است و

تقریباً بیش از هر مهارت دیگری می‌تواند برای ما مفید باشد. آینده پژوهی ما را قادر می‌سازد خطرهای و فرصتهایی را که در آینده با آن مواجه خواهیم شد، پیش‌بینی کنیم و پیش از آنکه به دردمر بیافتیم، تصمیم بگیریم و چاره‌ای بیاندیشیم. آینده پژوهی به ما کمک می‌کند هدف‌های ارزشمند، دست یافتنی و بلند مدتی را برای خود برگزینیم و راهبردهای منطقی تحقق آنها را در ذهن خود پیورانیم (ادوارد کورنیش، ۱۳۸۸ش: ۹۵).

امروز آینده پژوهی چیزی بیش از یک مهارت شنودی است که افراد بر اساس علاقه، تجربه و استعدادشان با درجات مختلفی از موفقیت آن را به کار می‌گیرند. در چند دهه اخیر، آینده پژوهی به دانش بالغی تبدیل شده که گاهی آینده اندیشی یا مطالعات آینده نیز نامیده می‌شود. امروز به برکت تلاش‌های پیشگامان خلاق این عرصه، آینده پژوهی همگانی شده، و شرکت‌ها، سازمان‌های دولتی، اندیشه‌گاه‌ها و آینده پژوهان حرفه‌ای در سراسر دنیا این دانش را به منظور پیش‌بینی تهدیدها و فرصت‌های پایان‌ناپذیر آینده به کار می‌بندند. ناگفته نماند که درک و فهم دنیای آینده، به معنی پیش‌گویی دقیق جزئیات آن نیست. توان ما در پیش‌بینی اغلب رویدادهای آینده بسیار محدود است. با این حال هر قدر که بتوانیم پیش‌بینی کنیم، برای موفقیت ما در آینده حیاتی است. اگر از روندهای جاری دنیا و آثار احتمالی آن بر زندگی و انتخاب‌های خود بی‌خبر باشیم، نمی‌توانیم هوشمندانه تصمیم بگیریم (ادوارد کورنیش، ۱۳۸۸ش: ۹۶). اَمّت اسلام به ناچار باید در استفاده‌ی از این علوم، برای تقویت فرهنگ خویش و بارور ساختن آن کوشا باشد تا به مقاصد قرآن کریم جامعه عمل پوشد.

۴. مقابله با هر گونه افراطی‌گری و تاکید بر عنصر گفتگو

در قرآن کریم مسأله گفتگو، تبیین و توضیح اهمیت کلیدی دارد. گفتگوی پیامبران با قومشان با اسلوب‌های متفاوت در دعوت به دین حق در قرآن گزارش شده است. (هود: ۲۵-۳۱، ۵۰-۵۷، ۶۱-۶۶، ۸۴-۹۳). گفتگوی پیامبر با مشرکان و همچنین گفتگوی ایشان با اهل کتاب فراوان در قرآن آمده است. حال که چنین است، آیا نمی‌توان چنین استنتاج کرد که گفتگو، توضیح، تبیین افکار و تسامح در این مورد باید بیشتر و مستحکم‌تر در بین خود مسلمین رواج داشته باشد آنگاه که رسول خدا (ص) ندا می‌دهد. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگوئید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]» (آل عمران: ۶۴). که‌ای اهل کتاب بیایید بر مشترکات خویش تمرکز نموده و در اختلافات تسامح نماییم آیا رواتر نیست که مسلمین این شیوه را در بین خود به کار برند و بر مشترکات همدیگر تکیه نمایند و در اختلافات تساهل ورزند و به اندک چیزی همدیگر را تکفیر نمایند. اما دریغا که مسلمین به قرائت قرآن اکتفاء نموده و از این راهکارهای حیات بخش هیچ استفاده‌ای به سود جامعه اسلامی نبرده‌اند. آیه شریفه ذیل نیز بغایت مهم و تنبه آفرین است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغْنَمٌ كَثِيرَةٌ». ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید خوب رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند؛ مگویید: «تو مؤمن نیستی» تا بدین بهانه متاع زندگی دنیا را بجوید، چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست (نساء: ۹۴). در منطق قرآن کریم اگر کسی حتی در وسط میدان کار زار اظهار ایمان کند ولو اینکه این شائبه وجود دارد که از روی ترس و برای نجات جان خویش اظهار ایمان نموده است، تمام مسلمانان موظفند که اسلام وی را قبول نموده و او را به عنوان برادر ایمانی خود بپذیرند. نه همچون بعضی از فرقه‌های اسلامی که جز خود را مسلمان و موحد نمی‌دانند و تمام مسلمانانی که عقیده‌ای غیر از آنها داشته باشند، مشرک می‌خوانند و یا بدتر از آن همچون گروه تکفیری داعش که جزء خود را تکفیر و به قتل می‌رسانند. این اعمال با آیات نورانی قرآن خصوصاً آیه فوق‌الذکر به هیچ وجه همخوانی و تناسب ندارد. هرچند که این گروه خود را دولت اسلامی نامیده باشد.

به گفته یکی از متفکران اسلامی، امروزه در میان مسلمانان دو عامل، باعث قتل بین آنهاست. یعنی مسلمانان با دو دلیل و بهانه به ریختن خون همدیگر اقدام می‌کنند. ۱. به دلیل دشمنی‌های سیاسی. قدرت‌های حاکم، مخالفان خود را شایسته قتل می‌دانند و خون آنان را با اینکه مسلمانند، به سادگی می‌ریزند. این کار در بیشتر کشورهای اسلامی جریان دارد. ۲. به خاطر اختلافات مذهبی. فرقه‌های اسلامی تندرو خون مسلمانان دیگر را به سادگی می‌ریزند، با اینکه خودشان می‌دانند که آنان مسلمانند و نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند. ما نمونه این کارها را در مصر، الجزائر، افغانستان، پاکستان و عراق می‌بینیم. هر دو گروه باید به درسی که این آیه می‌دهد، توجه کنند و مردم مسلمان را با انگیزه‌های مذهبی یا سیاسی خودشان، به ناحق نکشند. اگر چه غالباً انگیزه‌های مذهبی، انگیزه سیاسی هم به شمار می‌روند، چنانکه

غالباً انگیزه‌های سیاسی نیز رنگ مذهب و دین دارند. (یثربی، ۱۳۸۷ش، ۲: ۷۰۲). اگر مسلمانان به نظام گفتگو در بین خود پایبند باشند. می‌توانند جلو مضرات فراوانی که بر اثر جنگ و خشونت علیه همدیگر تحمیل می‌کنند، را بگیرند.

۵. اتحاد

اتحاد و همبستگی در بین مردم هر یک از کشورهای اسلامی و همچنین اتحاد بین کشورهای اسلامی از ضروری‌ترین نیازهای امت اسلامی است. اتحاد از بزرگ‌ترین چالش‌های فرهنگ اسلامی در دنیای معاصر است. آنچه اکنون در کشورهای اسلامی دیده می‌شود، جز اختلاف و جدایی، خشم و خشونت و جنگ و خونریزی نیست. تا همبستگی بین کشورهای اسلامی به وقوع نپیوسته است، جز ضعف و زبونی حاصل دیگری نخواهد داشت.

آیات قرآن در موارد متعددی به اهمیت این مسأله اشاره نموده و در این زمینه به مسلمانان تذکر داده است. آیه شریفه می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳). و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دلهای شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.

همچنین آیه شریفه: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ». و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار

برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است (آل عمران: ۱۰۵). آیه شریفه به ما هشدار می‌دهد که از تاریخ تلخ اختلافات پیشینیان، درس بگیریم. چرا که هر جا اختلاف بوده، شکست را در پی داشته است.

آیه گوشزد می‌کند که اختلاف و تفرقه، نه تنها قدرت شما را در دنیا می‌شکند، بلکه در قیامت نیز گرفتار عذاب جهنم می‌سازد. مطلب مهم دیگری که از آیه شریفه قابل استنتاج است، اینکه همیشه ریشه‌ی اختلافات، جهل نیست. بلکه هوس‌ها بیشتر اختلاف برمی‌انگیزند (قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ۲: ۱۲۶). این آیه با آیات امر به معروف و نهی از منکر قرین شده است. شاید بتوان چنین استفاده نمود که این دو فریضه، انسجام امت اسلامی را بیشتر می‌کند. یکی از جامع‌ترین آیات در این زمینه آیه ذیل است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. (آل عمران: ۲۰۰). این آیه، صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را توصیه می‌کند. در مرحله‌ی اوّل، در برابر ناگواری‌های شخصی و هوس‌ها صبر کنید «اصْبِرُوا»؛ در مرحله‌ی دوّم، در برابر فشارهای کفّار، مقاومت بیشتر کنید «صابِرُوا»؛ در مرحله‌ی سوّم، در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحثات علمی و حفظ مرز دل‌ها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید «رابطُوا». همچنین آیه بیان می‌کند که تا در مشکلات فردی صابر نباشید، نمی‌توانید در برابر دشمنان دین مقاومت کنید. از دیگران عقب نمانید. اگر کفّار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید.

مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند، و یکدیگر را به صبر سفارش کنند (قرائتی، ۱۳۸۸ ش، ۲: ۲۳۶).

آیه فوق محتوی یک برنامه جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان است.

۱- «اصبروا»: نخستین ماده این برنامه که ضامن سربلندی و پیروزی مسلمین است، همان استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث است، که در حقیقت، ریشه اصلی هر گونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می‌دهد.

۲- «صابروا»: از باب «مفاعله» به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است؛ بنابراین، قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد؛ و در مرحله دوم، دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد، و این خود می‌رساند که تا ملّتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود، پیروزی او بر دشمن ممکن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸ ش، ۳: ۲۳۴).

۳- «رابطوا»: این جمله به مسلمانان دستور آماده باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد، تا هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند، و نیز به آنها دستور آماده باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافلگیر نگردند. پس این کلمه معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود (همان، ۳: ۲۳۵).

۴- «اتَّقُوا اللَّهَ»: این دستور که همچون چتری بر همه دستورهای سابق سایه می‌افکند، دستور به پرهیزکاری است و استقامت و مصابره و رابطه، باید آمیخته با تقوی و پرهیزکاری باشد (همان).

یکی از مفسران معاصر، برداشتی از این آیه دارند که در جامعه اسلامی کنونی کارساز است. وی می‌نویسد: «پیام آیه این است که در طاعت خدا شکیبایی شخصی داشته باشید و در برابر دشمنان شکیبایی جمعی. زیرا امکان مبارزه با دشمن جز با همکاری و شکیبایی دسته جمعی به دست نمی‌آید. انجام وظایف فردی و اجتماعی هر دو از عوامل دینداری هستند. همچنین ترک وظایف شخصی و اجتماعی هر دو می‌توانند از نشانه‌های کفر و بی‌دینی اشخاص باشند. بنابراین آنان که از نظر ظاهر مسلمانند و به تکلیف‌های فردی خود عمل می‌کنند، اما مسوولیت‌های اجتماعی خود را نادیده می‌گیرند، نباید دیندار و مومن شمرده شوند. مثلاً؛ آنان که رانت‌خواری می‌کنند، یابه ناحق مسوولیتی را به عهده می‌گیرند یا بدون توجه به قواعد و قوانین به اقتصاد یا موقعیت سیاسی جامعه آسیب می‌زنند، چون به تکالیف اجتماعی خود عمل نکرده‌اند از دینداران به شمار نمی‌روند. اینان عملاً خود را در صف دشمنان دین و اهل شرک و نفاق قرار داده و حتی خطرناک‌تر از آنان به عنوان ستون پنجم به اسلام و جامعه اسلامی آسیب می‌زنند (یثربی، ۱۳۷۸ ش، ۲: ۶۰۱). اما مخالفان اسلام برای به شکست کشاندن حکومت‌های اسلامی و از بین بردن اسلام، همواره اختلاف افکنی بین دول اسلامی را از اهم برنامه‌های خود دانسته‌اند. هشدار قرآن کریم، در این زمینه عبرت‌آموز و درس آفرین است که می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (آل عمران: ۹۹). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰). «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (آل عمران: ۱۰۱).

بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می‌دارید؛ و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهید؟» و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. و چگونه کفر می‌ورزید، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است.

خداوند متعال در این دسته از آیات به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبدا از گروهی فتنه گر، از اهل کتاب اثر پذیرند و با وسوسه آنان، ایمان خود را از دست داده و به کفر و شرک روی آورند. و به مسلمانان هشدار می‌دهد، حال که با وحی الهی و آموزه‌های آن آشنا شده اید و رسول خدا را در میان خود دارید، مبدا که با وسوسه مشتی بدخواه، رو به کفر و شرک آورید. پیام امروزین این آیات این است که مسلمانان باید در برابر توطئه‌های یهود و نصاری هشیار باشند. هم اکنون، صهیونیست‌ها از طرفی و کلیسا و سرمایه‌داران یهود و نصاری از طرف دیگر در کمین مسلمانان هستند. دریغا که تا حدود زیادی در ایجاد تفرقه و گرفتاری برای مسلمانان کامیاب شده‌اند. امروزه کشورهای اسلامی با حاکمیت‌های اثرپذیر خود، مسلمانان را با مرزهای جغرافیایی از همدیگر جدا کرده و آشکار و پنهان رو در روی یکدیگر نیز قرار داده‌اند. بدین وسیله مسلمانان را از اجرای اسلام و تشکیل یک نظام الهی نیرومند، محروم ساخته‌اند. مسلمانان جهان در اثر اختلافات مذهب از طرفی و اختلافات سیاسی از طرف دیگر با امکاناتی که دارند، به مجموعه ضعیف و پر از مشکلات تبدیل شده‌اند. در حالیکه از امکانات شگفت‌انگیزی برخوردارند و اگر وحدت و مدیریت مناسب داشته باشند، شاخص‌های کمی یک اقتدار بزرگ را در اختیار دارند که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) جمعیتی برابر با یک پنجم جمعیت جهان، که ۶۵٪ آن در آسیا و ۲۵٪ آن در کشورهای عرب و ۱۰٪ آن در آفریقا است. با کشورهای پرجمعیتی مانند اندونزی با ۱۸۰ میلیون نفر و پاکستان، بنگلادش، مصر، ایران و ترکیه. ب) ۴۲٪ از ذخائر نفتی و ۲۵٪ از ذخائر گاز طبیعی، با ۴۰٪ صادرات و ۷۰٪ از فسفات جهان.

ج) ۵۰٪ از نقاط استراتژیک جهان (جرالد بلیک، ۱۳۶۹ش، ۸۷). همه اینها از امکانات تحقق یک حاکمیت اسلامی نیرومند است تا بتواند برای جهان آینده و آینده جهان، طرح و برنامه‌ای داشته باشد. دروغا که مسلمانان امروز با مشکلاتی روبه‌رو هستند که به سادگی حل شدنی نیستند. خلاصه اینکه امت اسلامی در جهان معاصر هیچ حرکت مثبت و تأثیرگذاری را بدون حل اختلافات خود و داشتن انسجام درونی نمی‌تواند انجام دهد. چنانچه تاکنون نیز از انجام وظایف خود ناتوان بوده است.

۶. افزایش قدرت داخلی

فرهنگ اسلامی باید خود را از درون تقویت نماید. و این مستلزم داشتن شاخص‌های برتر در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. وگرنه در دنیای کنونی محکوم به شکست و زوال خواهد بود. قرآن کریم در این زمینه پیامی بس واضح و آشکار دارد؛ آیه شریفه می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ». و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این (تدارکات)، دشمن خدا و دشمن خودتان و

(دشمنان) دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت (انفال: ۶۰). آیه شریفه به مسلمین گوشزد می‌کند که نیروهای خود را برای رسیدن به قدرت نظامی برتر بسیج نمایند. شاید بتوان استفاده نمود که مسلمانان باید در تمام زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، برتری خود را حفظ نمایند. که این موجب ترس کفار از جامعه اسلامی خواهد بود و حالت بازدارندگی خواهد داشت. هر چند که در دنیای کنونی برای دستیابی به قدرت نظامی برتر، باید از نظر علمی، اجتماعی و اقتصادی نیز در سطح برتر قرار داشت. تا زمانی که امت اسلامی به این پیام قرآنی جامه عمل نپوشانده، تحت فشار قدرت‌های بزرگ خواهد بود. چرا که منطق دنیای کنونی، منطق قدرت است. در ذیل آیه به مسأله انفاق اشاره شده است و اشعار به این مطلب دارد که مسلمانان برای رسیدن به قدرت برتر، نباید از کمک‌های مالی دریغ نمایند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۱۰: ۴۱۱).

نتیجه

بررسی‌های به عمل آمده در این زمینه نشان داد که موانع تحقق فرهنگ اصیل اسلامی عبارتند از عدم فهم صحیح اسلام، که یکی از عمده‌ترین مشکلات جهان اسلام بوده و در برخورد مذاهب گوناگون با یکدیگر تأثیر بسزا دارد. به خاطر عدم توجه به کار و تلاش کشورهای اسلامی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان به شمار می‌آیند. همچنین جهل و ناآگاهی ممالک اسلامی که باعث عقب ماندگی مفرط ایشان شده است. موارد مذکور تنها بخشی از موانع موجود در فرهنگ اسلامی است؛ هرچند مهمترین آنهاست. همچنین جامعه مسلمین با چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمده‌ای روبرو است که اگر به حل فوری آنها اقدام نکند کیان فرهنگ

اسلامی با خطر جدی مواجه خواهد شد. اهم این چالش‌ها به صورت ذیل است؛ بازاندیشی نسبت اسلام و مدرنیته، تهاجم فرهنگی، عدم توان پیش‌بینی حوادث، مقابله با هرگونه افراطی‌گری و تاکید بر عنصر گفتگو، اتحاد و افزایش قدرت داخلی. از عوامل فوق‌الذکر عامل نسبت بین اسلام و مدرنیته از مهمترین عوامل به شمار می‌آید. مدرنیته تمام سطوح زندگی مسلمین را در نوردیده است و مسائل نظری و عملی مهمی پدید آورده است.

بر نخبگان عالم اسلام، فرض عین است که با تمام توان، به حل این مشکلات مبادرت نموده و جامعه اسلامی را آنگونه که مرضی خدا و رسول خداست، بازسازی نمایند.

کتابنامه

- ❖ قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ❖ نهج‌البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام.
- ❖ آلبانی، محمد ناصرالدین، ۱۴۰۲ق، منزلة السنة فی الاسلام، بیروت: دارالمکتب الاسلامی.
- ❖ ابن درید، ابوبکر محمد بن الحسن، ۱۹۸۷م، جمهرة اللغة. رمزی منیر بعلبکی، بیروت- لبنان: دارالعلم للملایین، الطبعة الأولى.
- ❖ ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، السنن، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الجیل.
- ❖ ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- ❖ استرآبادی، محمدامین، ۱۴۱۵ق، الفوائد المدنية، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ❖ الهی بخش، خادم حسین، ۱۴۰۹ق، القرآن‌یون و شبهاتهم حول السنة، الطائف: مکتبة الصدیق.
- ❖ ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۸ق، السنن، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الجیل.
- ❖ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۳۹۸ق، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالفکر.

- ❖ حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، ۱۳۶۸ ش، الحیاة، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ❖ حنفی، حسن، ۱۴۰۹ ق، علم الاستغراب، قاهره: دار الشروق.
- ❖ خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.
- ❖ راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ ق، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه: دار العلم.
- ❖ الزبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۰۶ ق، تاج العروس من جواهر القاموس، لبنان: دار مكتبة الحیاة، الطبعة الأولى.
- ❖ سبحانی، جعفر، ۱۴۲۱، الحديث النبوی بین الرواية و الدراية، قم، انتشارات موسسه امام صادق (ع).
- ❖ سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ❖ صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۳۴ ق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، بیروت، الأميرة لطباعة و النشر.
- ❖ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۳ هـ ق، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
- ❖ طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه.
- ❖ طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
- ❖ فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ ق، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
- ❖ مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ هـ ق، بحار الانوار بدرر أخبار الأئمة الاطهار، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث، مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية.
- ❖ مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴ ش، التّحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

❖ مظفر، محمدرضا، ۱۴۲۱ق، اصول الفقه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

منابع و مأخذ فارسی:

- ❖ آشوری، داریوش، ۱۳۹۳ ش، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگاه، چاپ پنجم.
- ❖ ادوارد کورنیش، ۱۳۸۸ش، آینده پژوهی پیشرفته، نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی‌فر، تهران: اندیشکده آصف.
- ❖ جرال د بلیک، ۱۳۶۹ش، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دکتر میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ❖ جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۶ش، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم.
- ❖ جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱ش، شریعت در آئینه معرفت، قم: نشر اسراء.
- ❖ روح‌الامینی، محمود، ۱۳۷۲ش، زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار، چاپ سوم.
- ❖ شرفی، عبدالمجید، ۱۳۸۳ش، اسلام و مدرنیته، ترجمه مهدی مهریزی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ❖ قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، تهران: ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ❖ قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۸ش، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم.
- ❖ کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷هـ ق، اصول کافی، با ترجمه آیه الله شیخ محمدباقر کمره‌ای، قم: انتشارات اُسوه، چاپ اعتماد.
- ❖ متز، آدام، ۱۳۶۹، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران انتشارات علمی فرهنگی.
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۸ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.

آسیب‌شناسی، چالش‌ها و موانع فرهنگ اسلامی با رویکرد قرآنی ۸۱

❖ میرسپاسی، علی، ۱۳۸۴ش، تاملی در مدرنیته ایرانی، ترجمه جلال توکلیان، تهران: طرح نو.

❖ نصر، سیدحسین، ۱۳۸۵ش، جوان مسلمان و دنیای متجدد، تهران: طرح نو.

❖ نصیری، مهدی، ۱۳۸۷ش، اسلام و تجدد، تهران: انتشارات کتاب صبح.

❖ وثوقی، منصور، ۱۳۹۱ش، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه، چاپ بیست و دوم.

❖ یثربی، سیدیحیی، ۱۳۸۷ش، تفسیر روز، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

مجلات:

❖ رهنمائی، احمد، ۱۳۸۹ش، «آسیب‌شناسی فرهنگی»، نشریه معرفت، شماره ۳۰، ص ۲۶.

❖ ممتحن، مهدی، ۱۳۹۰ش، «علل انحطاط فرهنگی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۵، (ص ۱۴۵-۱۷۲).

❖ مهرگان، نادر، پاییز ۱۳۹۱ش، «مجله رفاه اجتماعی»، تهران: شماره ۴۶، (ص ۲۹ تا ۵۶).

سایت‌ها:

❖ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>

❖ سایت بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء، <http://www.portal.esra.ir>

❖ سایت خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com>

